

پرورش و تربیت فعال چگونه انجام میشود

ترجمه دکتر آصفه آصفی استاد دانشگاه تربیت معلم

تأسف هیچ شباهتی بهم ندارند « پدر میپرسد »
یعنی چه ؟ « او جواب میگوید برای اینکه
« در دبیرستان اصولاً کاری انجام نمیدهند ؟ »
تعجب پدر که از آن جواب قانع نشده و منتظر
توضیح میباشد : « ببینم تو وقتی به خانه
میائی درسهائی داری تکالیفی داری مگر نه... ؟
« ما تمسام روزگساری جز گوش دادن
نداریم ». روشن میشود که « گوش دادن »
از نظر پسر بچه « انجام کار نیست »

پس اگر اجازه بدهند که فعالیتها
از راه اصلی خود منحرف شود ، پایه تحرک
بی موقع می انجامد و یا برعکس تحرک غیر
لازم ایجاد سینماید که بزودی همه اینها
به اضطراب و انقلاب تبدیل گردیده و تدریجاً
کودک عادی و طبیعی موجودی « تربیت
ناپذیر » میگردد : « حالا ببین ؟ این بچه
هیچ کاری جز اذیت و آزار بلد نیست »
« نگاه کن ؟ مگر میشود به او اعتماد
کرد ؟ » « ببین ؟ مگر میشود او را آزاد

از سوی دیگر استفاده از احتیاج کودک
به فعالیت و تحرک میباشد که منحصرأ
به هیچ روش مخصوصی تعلق ندارد برای
اینکه دیده ایم و ثابت شده که پرورش و
تربیت جدید، اکثراً بعنوان « پرورش و تربیت
فعال » نامیده میشود و بهمین سبب مراکز
توجیه کننده روشهای پرورش و تربیت فعال ،
مجله ای زیر عنوان « بسوی پرورش تربیت
جدید » منتشر میکنند .

چه چیز میتواند بهتر باشد از پاسخ
پسر بچه جوانی که بدبیرستان وارد شده :
وقتیکه پدرش از او میپرسد (این پسر بچه
دوره دبستان را در کلاسهای مدرسه
"Boulogne-Sur-Seine" بپایان رسانیده این
مدرسه از روش فعال پیروی میکنند) .

« بنظر تو در دبیرستان هم مثل مدرسه
ابتدائی با شما رفتار میکنند و طرز کارشان
شبهه بهم میباشد ؟ » نوجوان با کمال تعجب
از سؤال پدر جواب میدهد نه ، با کمال

گذاشت؟ «سئولان و سربیان که خود ایجاد کننده این موفقیت‌ها هستند این جملات و نظائر آنها را هر لحظه بالحنی فاتحانه بر زبان میاورند ... دختر کوچکی که هوا و فضای مطبوع کودکستان منتسوری «Montessori» را در سال گذشته حس کرده و اسسال برای رفتن به کلاس بالاتر به مدرسه سنتی می‌رود یک شب به پدر و مادرش می‌گوید: یک چیزی هست که من اصلاً نمی‌فهمم سال گذشته در کلاس نه‌اگر احتیاج داشتیم ما را از حرف زدن سمانت می‌کردند و نه‌از جابجاشدن و همه‌بچه‌ها آرام و ساکت بودند، اما اسسال که می‌گویند ساکت و آرام باشید همیشه بچه‌ها شلوغ میکنند.» آیا این برداشت‌ها می‌توانند چیزی جز روش‌های قدیمی و رفتار چپاول‌گرانه‌ای باشند که بجای استفاده از روش فعال به آنها پناه می‌برند. بی‌توجهی به احتیاج کودک و فعالیت‌های ناشناخته او که پیوسته در جستجوی منفذی هستند تا بتوانند خود را ظاهر سازند در زمان طولانی موجب می‌گردد تا کودک نتواند تشخیص بدهد که چکار میکند، و چه باید بکند آنوقت است که ذوق و میل به همه چیز را از دست می‌دهد و مربی‌ها غرولندکنان می‌گویند «وای از این بچه تنبل‌ها» در صورتیکه با بذل مقداری توجه و عنایت به اشکال متعدد تحرک و فعالیت‌های طبیعی و سالم کودکان می‌توان هر کدام را به نوعی ویرپایه و اصول روش‌های مختلف و متفاوتی بکارگرفت و نتایج ارزشمند بلست آورد مثل نقاشی آزاد، مقاله‌نویسی آزاد، فعالیت‌های آزاد که با فکر و ابداع «Celestin Freinet» جای قابل ملاحظه‌ای برای خود در کلاسهای زنده فعال بلست آورده و مخصوصاً پاسخگویی احتیاجات فعال کودکان و فعالیت‌های ابتکاری و هنری آنان گردیده‌است.

بدین صورت احتیاجات کودکان بخوبی ارضاء میشود و برای فعالیت‌های جسمی و یا فکری و مغزی خودشان از مجموعه وسائلی که در مدرسه دردسترشان قرار گرفته استفاده مینمایند و ما این روش را به «Freinet» مدیونیم.

بدون شک اگر به مفهوم پرورش و تربیت جامع و کلی که برپایه اظهاریه عمومی «La Déclaration Commune» زیر عنوان آگروهوش از اجزائی که سبب تشکیل و تکوینش میباشد مثل تحرک، مسائل عاطفی و اجتماعی دور و جاداشود، نمی‌تواند توسعه پیدا کرده و شکوفا شود، توجه‌گردد پیشرفت‌ها حتی‌تر خواهند بود. چه‌فارغ از آبد و رفت‌های استعانی که غالباً به‌خاطرات کودک عنوان و درجه میدهد، قدرت خلاقه وی مورد نظر قرار گرفته و جهش‌های خود را باز می‌یابد و بمرحله‌ای میرسد که فعالیت‌های مدرسه‌ای یا فعالیت‌های خارج از مدرسه، بدون رعایت سلسله مراتب هم‌آهنگ گردیده و تنها برای برگزاری استعان بکار نمی‌روند بلکه در خدمت دائمی فرد قرار خواهند گرفت آنوقت الهامات هنری مانند سوزیک، زیباشناسی، طبع شعر و یا هنرهای دراماتیک هرچه‌کسه باشند کاملاً برای پیشبرد و به تحقق رسانیدن کودک بکار می‌روند و بهتر می‌توانند برای شکوفائی هوش و شخصیت وی بصورت تمرین‌های جسمی‌کار دستی و ... مورد استفاده قرار گیرند.

توجه به این عبارت از اظهاریه عمومی ماکه حاوی همه این مطالب، میباشد «برای شکوفائی یک شخصیت باید از همه امکانات روانی و رفتاری و کارآئی آنها استفاده شود»، بخوبی روشن مینماید که بایستی پرورش و تربیت بطور انفرادی بر فرد منطبق گردد و این مسئله واقعیت پیدا خواهد کرد



روزگار در میان ما
شمال جامع و مشرق

متحد و یگانه آموزش که بر همه دانش‌آموزان فرانسوی تحمیل می‌گردد به این صورت که دانش‌آموزان باید کار را بایک روش و شاید در یک زمان دهند نوعی مخالف گوئی است مثل نظریه دکتر «کنک دوژول رومن»

Dr. Kenck de Jules Romanis'

که می‌خواست تمام درجه‌های پزشکی یک چیز را در یک لحظه برای تمام اهالی دهکده‌اش انتخاب کند. انتخاب این روش را می‌توان به عنوان سرگ و فنانی پرورش و تربیت جدید و روح آن تلقی کرد: «اگر فقط یک روش از رویه‌های متعددی که عرضه نموده است منحصرأً و جدا از سایر روشها رسماً انتخاب و تحمیل گردد؟»

اگر پرورش و تربیت اصول شناسائی کودک را بکار گرفت، دیگر به چند مکتب

نظری و بالبداهه قناعت نخواهد کرد و بسوی توجیه و تفسیر سلسله اسکاناتی کشیده می‌شود تا بتواند جوابگوی تنوع و چندگونه‌گی‌های افکار مختلف باشد. مربیان و دانش‌آموزانی که راه خود را انتخاب کرده‌اند، خواستار و آرزومند انواع مختلف این نوع مدارس می‌باشند. چون در این مدارس است که می‌توانند برابر با طبیعت و وجود خود در فعالیت‌های پرورشی شرکت جسته و سهیم بشوند.

تنوع افکار و روحیه‌ها، ریتم‌های مخصوص به هر کس، اهمیت مراحل پرورشی و مناظر و تغییرات متحولی که به آنها اضافه می‌شود، همه و همه داده‌هایی عرضه می‌کنند که هر کدام می‌توانند به عنوان پایه و اساسی برای قدرت ابتکار فردی در آموزش توجیه‌گردیده و بکار روند مطالعه و بررسی‌هایی که

مگر آنکه «مفهوم فعلی انضباط» خورد شده و از بین برود. شاید بی‌فائده نباشد که «مفهوم فعلی انضباط» مشخص گردد؛ و آن چیزی نیست جز تقسیم‌بندی تکالیف مدرسه‌ای و طبقه‌بندی افراتی از قسمت‌های مختلف آن. پس باید از همه آن چیزهایی که به تخطئه «پرورش و تربیت جدید» مربوط می‌گردد، از قبیل مخالف گوئی و تغییر مفاهیم آن بمیل شخصی و ایجاد بی‌نظمی و بی‌انضباطی احتراز جست.

اما درباره وحدت پرورش و تربیت: اگر معتمد شویم که در درون هردانش‌آموزی است و باید خودش را بسازد: این خود مخالف گوئی دیگری است و کم‌اهمیت هم نیست چه ایمان و اعتقاد به طرح و پیشنهاد





زندگی کرده و به کار دیگری احترام بگذارند و گاهگاه بایکدیگر هم کمک کنند و همکاری داشته باشند، همه اینها بدون هیچ اعتراضی برای آماده‌گی در زندگی اجتماعی بسیار مؤثرند. کار دوشادوش با کوچکترین اشتباه دانش‌آموزان و ارتباط نزدیک آنها با همدیگر که به یکدلی و تشکل آنان می‌انجامد می‌تواند گاهی به شرکت و همستگی بر علیه بزرگسالان انجامیده و گاه به رقابتی شدید تحت عنوان چشم و هم‌چشمی‌های خیره‌کننده‌ای منتهی گردد.

بوسیله « Dottrene, Bouchet » انجام‌گردیده و بر پایه روش‌های مختلف پرورش و تربیت جدید « خانم منتسوری و دالتس » Mme Montessori و « Dalton » منطبق می‌باشد در مورد احتیاجات کودک در زمینه « گرایش به اجتماع در سایه اشتغالات عمومی » بسیار مهم و قابل توجه است: گزارش روزهای تعطیل در گروه‌ها، شرکت و همکاری تمام دانش‌آموزان هر کلاس در حوادث و وقایع خانوادگی هر کدام، اجتماعات رقص، آواز محلی و همچنین سازمانهایی که همه می‌توانند با همدیگر